

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۴۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ آذر ۱۳۸۹، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

## شو تلویزیونی پرس تی وی، کیفر خواستی علیه خود جمهوری اسلامی بود!

## کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی، جنبش ملی اسلامی و پدیده ای به اسم محمد مصطفایی



ژورنالیست باشرفی محکوم است. در عین حال این سند ورشکستگی، استیصال و شکست مفتضحانه تبلیغاتی رژیم در مقابل مردم دنیا است. این شویی بود علیه زنی که در زندان است، قرار بود سنگسار شود و

شو تلویزیونی انگلیسی زبان جمهوری اسلامی، پرس تی وی، در ۱۰ دسامبر که به مساله سکینه محمدی آشتیانی اختصاص داشت سند آشکار محکومیت جمهوری اسلامی است و از نظر هر انسان منصفی، هر نهاد و سازمانی که ذره ای به حقوق انسانی پایبند باشد و هر

صفحه ۲

پستوهای يك حکومت فاشیست اسلامی جلب شده است. يك زندانی بی نام و نشان که میتوانست تا همین امروز با پرتاب سنگ زجرکش شده باشد، امروز یکی از معروف ترین شخصیت‌های دنیا است. نفس‌ها در سینه حبس شده و نبرد برای آزادی و نجات این زن از دست يك حکومت فاسد و انسان‌کش اسلامی موضوع روز رسانه‌ها است و این داستان هفت ماه است که ادامه دارد.



محمد آسنگران

هفت ماه است که در مهمترین رسانه‌های بین‌المللی و در سطح افکار عمومی دنیا توجه‌ها به

## تجمع اعتراضی کارگران اخراجی نساجی های کردستان در مقابل اداره کار سنندج



کار قرار دادند و اعلام داشتند که اگر رسیدگی نشود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

صفحه ۳

واقع در خیابان جام جم دست به تجمع زدند. در این تجمع تعدادی از کارگران شرکت های پرریس سنندج شاهو و شین بافت شرکت داشتند. در این تجمع اعتراضی کارگران با مسئولین و نماینده حراست اداره کار نشست داشته و در خاتمه کارگران طی طوماری اعتراضی خواسته‌های خود را از طریق نمایندگانشان در اختیار اداره

بنا به اخباری که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرده است ساعت ده صبح روز شنبه ۲۰ آذر حدود ۲۵۰ نفر از کارگران اخراجی نساجی کردستان در اعتراض به قرار نگرفتن کار آنها در زمره کارهای سخت و زیان آور در سوابق بیمه کاریشان، مقابل اداره کار و امور اجتماعی سنندج

## رضا شهابی به بیمارستان منتقل شد، رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود

صفحه ۵

## دو کارگر مرزی بر اثر تیراندازی مزدوران رژیم کشته شدند

صفحه ۵

## زیر حجاب اختناق : منصور حکمت

خود مردم و طبقات مختلف اجتماعی بدرستی بروز پیدا نمیکنند و منعکس نمیشود. ایران تحت سلطه رژیم اسلامی نمونه زنده يك محیط سیاسی خفه با سیمای سیاسی مخدوش و روندهای تاریخساز پنهان و پوشیده است. با حساب نموده‌ها، شخصیت‌های سیاسی حال و آینده ایران را باید در میان خاتمی‌ها و یزدی‌ها و سروشها جستجو کرد، ظاهراً کارگر و کمونیست نیرویی در مرکز صحنه

استبداد و خفقان، جبراً نمایی وارونه و مخدوش از حقایق سیاسی جامعه ترسیم میکنند. همیشه سقوط رژیمهای دیکتاتوری عاقبتی جز آنکه ناظران سیاسی بر مبنای مشاهدات پیشین انتظار کشیده اند ببار آورده است. کاملاً قابل فهم است که چگونه در يك فضای مختنق ماهیت و توان و برنامه نیروها و احزاب سیاسی، توازن قوای میان نیروهای اجتماعی، جهت و شتاب روند‌های سیاسی و از همه مهم تر تمایلات سیاسی و اجتماعی واقعی

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جنایتی هولناک در سالهای دهه ۶۰. جمهوری اسلامی اعتراف کرد که همسر مینا احدی، اسماعیل یگانه دوست را اعدام کرده اند. در آن مقطع جمهوری اسلامی نه تنها اسماعیل بلکه صدها هزار نفر از مخالفین خود را دستگیر کرد، دهها هزار نفر را زیر شکنجه های قرون وسطائی برد و یا در محاکمات یک دقیقه ای اعدام کرد، از زنان حامله تا نوجوانان ۱۴، ۱۵ ساله را به جوخه اعدام سپرد و حتی پول گلوله را نیز از خانواده هایشان طلب کرد. آنها نه وکیل داشتند و نه جرمی. جمهوری اسلامی آنها را به جرم تروریست و محارب به جوخه اعدام سپرد. و مینا احدی و صدها هزار نفر دیگر کشور را ترک کردند و یا خود را به مناطق آزاد در کردستان رساندند تا به مبارزه علیه حکومت ادامه دادند.

۴- در بازسازی صحنه قتل، سجاد را در نقش پدرش قرار میدهند تا مادرش با آمپول سمی او را بکشد. این صحنه چنان مشمئزکننده و غیر انسانی است که فقط از جانبان جمهوری اسلامی بر میاید. و تازه روی این صحنه ها کار کرده اند و آنرا بزرگ کرده اند که برای یک بیننده اروپائی قابل مشاهده باشد. میتوان تصور کرد که این حکومت با سایر زندانیان چه میکند!

۵- جرم از نظر قوانین قضائی جمهوری اسلامی:

جرم سکینه: زن بودن و ارتباط با مردان دیگر، خیانت به شوهر و تن فروشی و به این جرمها محکوم به ۹۹ ضربه شلاق و ده سال زندان، سپس محکوم به شنیع ترین شکنجه و قتل یعنی سنگسار و زنده به گور شدن. بعدا که بدلیل فشارهای جهانی نتوانستند او را سنگسار کنند پرونده اش را از دفتر وکیلش به سرقت بردند تا دستکاری کنند و او را به جرم مشارکت در قتل به اعدام محکوم کنند. این سند آشکاری از بی حقوقی کامل زنان و حاکمیت

یک اعتراض بین المللی جلوی آنرا گرفت و هنوز شمشیر اعدام بالای سر اوست. ارتباطش را با دنیا قطع کرده اند و وکیل و فرزندش را هم گرفته اند که حمایتی نداشته باشد و در چنین شرایطی او را به مقابل دوربین های خود میاورند که علیه خود اعتراف کند. چه کسی میتواند کثافت و رذالت نهفته در این شو را ببیند و منزجر نشود و به خشم نیاید؟

کارشناسان قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و دستگاه دیپلماسی رژیم همراه با مدیران و گردانندگان پرس تی وی، ماهها روی این پروژه کار کردند تا سکینه را شریک قتل، خائن احدی و همسرش را تروریست نشان دهند، وکلای سکینه را بی اعتبار کنند و برای سیستم قضائی رسوای خود آبرو بخرند. اما جمهوری اسلامی در این برنامه عملا به اعدام، سنگسار، پرونده سازی، بی حقوقی زندانیان در دفاع از خود، بی حقوقی زنان و قوانین پوسیده و ارتجاعی علیه آنان و رفتار بشدت غیر انسانی در حق زندانیان اعتراف کرد و سیستم قضائی اش را یکبار دیگر در نزد مردم جهان بدست خود افشا نمود. این سند کیفرخواست علیه خود رژیم بود. برنامه نود دقیقه ای شب قبل از این در تلویزیون فارسی زبان جمهوری اسلامی تحت عنوان راز نیز تلاش مذبحخانه ای مشابه شو پرس تی وی بود. چند جنبه مهم شو پرس تی وی عبارتند از:

۱- شو امشب اعترافی بود به

قوانینی متحجر و ضد انسانی است. جرم سجاد: تماس با مینا احدی و گرفتن وکیل برای کمک به مادرش و تلاش برای جلوگیری از سنگسار و اعدام مادر. جرم هوتن: قرار دادن پرونده سکینه در اختیار رسانه ها برای جلوگیری از سنگسار او. جرمی که دستکاری در پرونده را برای جمهوری اسلامی بسیار دشوار کرده است. قیافه های سجاد و هوتن بخوبی گویای فشار و شکنجه های جسمی و روحی ای است که در زندان بر آنها اعمال شده است.

جرم دو خبرنگار آلمانی: مسافرت به ایران به عنوان تورریست و صحبت با سجاد و هوتن برای کمک به آزادی سکینه. از جانب برخی مقامات رژیم متهم به جاسوسی شدند اما ناچار شدند اینرا پس بگیرند. به جرم تماس با مینا احدی، سجاد و هوتن از ملاقات و تماس با خانواده محرومند، وادار به اعتراف تلویزیونی شدند، مورد تحقیر قرار گرفتند، و بلا تکلیف در زندان به سر میبرند.

۶- و بالاخره اعترافی است به اینکه پرس تی وی یک رسانه نیست، ارگان تبلیغاتی حکومت و بطور مشخص قوه قضائیه و وزارت اطلاعات و شریک جنایات این ارگان ها است و توسط بازجوهای که اسم خبرنگار بر خود گذاشته اند اداره میشود. سایر کانال های تلویزیونی جمهوری اسلامی هم از جنس پرس تی وی هستند.

با توجه به این نکات:

۱- کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار این برنامه را شدیداً محکوم میکند و از همگان میخواهد آنرا محکوم کنند.

۲- شو امشب پرس تی وی قرار بود سندی علیه سکینه و سجاد و وکلای سکینه، علیه مینا احدی و کمپین نجات سکینه و رسانه های باشد که این کمپین را تحت پوشش قرار دادند اما نه تنها ذره ای به این هدف کمک نمیکند بلکه به رسوائی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در میان مردم ایران و جهان تبدیل خواهد شد. جمهوری اسلامی در این نقشه نیز که اوج تلاشش بود ناکام ماند.

۳- شو امشب پرس تی وی آشکارا بر بیگناهی کامل سجاد و

هوتن و دو خبرنگار آلمانی و پوچ بودن پرونده ای که علیه سکینه سر هم کرده اند دلالت میکند. حتی به استناد این برنامه و همه ادله هائی که علیه این پنج نفر ارائه میدهند، همه دستگیرشدگان باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

۴- به استناد این برنامه قاتلان اسماعیل یگانه دوست و هزاران زندانی سیاسی دیگر، مسببین زندانی کردن و شلاق زدن به سکینه و بی حرمت کردن و در کابوس سنگسار و اعدام نگهداشتن او و مسببین زندانی کردن سجاد و هوتن و شکنجه آنها و مسببین زندانی کردن خبرنگاران آلمانی و بدرفتاری با آنها باید به محاکمه کشیده شوند.

۵- این شو یکبار دیگر ماهیت سیستم غیر انسانی قضائی جمهوری اسلامی را به همگان نشان داد. جمهوری اسلامی در طول ۳۱ سال حاکمیت خود و بر اساس چنین سیستمی دهها هزار نفر را به اعدام و زندان محکوم کرده و صدها هزار نفر را مورد شکنجه های وحشیانه قرار داده است. بر اساس همین سیستم تعداد زیادی از فعالین سیاسی مخالف رژیم، فعالین کارگری و دانشجویی، مدافعین حقوق زن، وکلا و معتقدین به مذاهب مختلف، در زندان به سر میبرند، مورد شکنجه قرار میگیرند و از هر حقی محرومند. برنامه پرس تی وی گواه مسلمی از ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت سرپایا جنایتکار و تروریست است.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار کمپین نجات سکینه را با قدرت ادامه خواهند داد و شو تلویزیونی امشب پرس تی وی را به عنوان سند رسوائی جمهوری اسلامی و در جهت تقویت کمپین نجات سکینه و سایر دستگیر شدگان و کمپین لغو مجازات های وحشیانه شلاق و اعدام و سنگسار هر چه وسیعتر مورد استفاده قرار خواهند داد. ما مردم جهان را به همبستگی با مردم ایران علیه این رژیم قرون وسطائی فرامیخوانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام کمیته بین المللی علیه سنگسار ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

۳- بازسازی صحنه های قتل

## کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی...

تجمع اعتراضی کارگران اراچی...  
از صفحه ۱

کارفرمایان و دولت حامی آنها با قیچی کردن سوابق بیمه کارگران تلاش می کنند از دسترنج کارگران و مزایایی که بنا به قوانین ضد کارگری متعلق به کارگران است را به جیب بزنند.

مחסوب شدن سوابق بیمه به نان شب کارگران و خانواده های کارگری اخراج شده نساجی های کردستان گره خورده است. آسان ترین کارها در نظام جمهوری اسلامی را باید جزو شاق ترین کارهای سخت و زیان آور به حساب آورد که تا کنون بخاطر نبود وسایل ایمنی کار و عدم استانداردهای معمولی در مراکز کار، جان صدها کارگر را گرفته است. مراکز کار در ایران فاقد کوچکترین امکانات ایمنی و بهداشتی است و سلامت کارگران از کوچکترین ارزشی برای جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار برخوردار نیست.

ما ضمن حمایت از خواست و مطالبه کارگران نساجی، خواست بیمه بیکاری و بازگشت کارگران اراچی به سرکار، همه فعالین و تشکلهای کارگری را فرا می خوانیم تا برای متحقق کردن افزایش دستمزدها و دستیابی به حداقل یک میلیون تومان بعنوان

سرنگون باد

رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد حکومت انسانی

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۱۳ دسامبر ۲۰۱۰

آشتیانی در قتل همسرش دست داشته و احتمالاً با تزریق داروی بیهوش کننده و ... شریک قتل بوده است. در همان مصاحبه گفت عکس سکینه را سجاد به خارج کشور ارسال کرده و منتشر شده است. این در حالی بود که جمهوری اسلامی به دنبال پیدا کردن سر نخ ارسال این عکس بود. از سجاد سوال شده بود و او این موضوع را به عهده نگرفته بود. سجاد با شنیدن این مصاحبه آزمان که آزاد بود بسیار ناراحت شد و گفت هر کس ادعا میکند مادر من در قتل پدرم دست داشته باید مدرک بیاورد. این طرح رژیم است برای پرونده سازی علیه مادر من که او را اعدام کند.

صفحه ۴

ترکیه. تا همین مقطع در هر مصاحبه و یا گفتگویی مینا احدی از او دفاع میکرد و اطلاعیه های کمیته علیه سنگسار در محکومیت اذیت و آزار خانواده مصطفایی و در دفاع از پذیرش فوری او بعنوان پناهنده و تامین امنیت جانی او و خانواده اش بود.

بعد از خروج مصطفایی از ایران در اولین مصاحبه با رسانه ها او به "سو استفاده" برخی جریانها سیاسی از کمپین سکینه اشاره کرد ... این یک زنگ خطر بود. مینا احدی با او تماس گرفت و گفت: منظور شما از این جمله چیست؟ مصطفایی پشت تلفن به احدی گفته بود من شما را می شناسم و ابتدا نمیخواهم علیه شما حرفی بزنم، اینجا اشاره به سازمانی میکنم که در نروژ و در اسلو مرا دعوت به جلسه کرده و پرچم و عکسهایی در جلسه گذاشته اند که به نوعی سو استفاده از من و کمپین سکینه بود.

با گذشت زمان مصطفایی به نعل و به میخ زد و هر جایی که امکانش بود، به احدی و کمپین حمله کرد و هر جا به نفعش بود خود را رهبر و عامل اصلی کمپین نجات سکینه معرفی میکرد. شایعاتی در مورد او در محافل ایرانی در جریان بود، چگونه از ایران خارج شده، آیا قولهایی داده و آمده، آیا حمله به احدی جزئی از توافقات پشت پرده بوده؟ آیا جناحی از رژیم او را از دست قهر جناح دیگر نجات داده و به او ماموریت داده است که از درون کمپین را خنثی کند؟ آیا این ماموریت از جانب جناح فرسنگانی و دارو دسته اش بوده است؟ یا چی؟ همه این سوالات مطرح بود. و ظن موجود را مصطفایی با اعمال بعدی خود تقویت کرد.

مصطفایی هیچ گاه علیه حکومت اسلامی نبوده و در هیچ مقطعی از اسلامی بودن حکومت و قوانین گله ای نداشته، او بیشتر طرفدار قانون اساسی و اجرای دقیق این قانون کذایی امروزی و مخالف اعدام کودکان و یا برخی از اعدام ها و بتدریج بنظر میرسد مخالف اعدام و سنگسار شده است. هنوز در سایتش اولین لینک، لینک به سایت

آشتیانی در مقابله با حکم سنگسار. چرا که او در ایران علیه سنگسار فعالیت میکرد. او میگوید من به مصطفایی زنگ زدم و شماره او را به سجاد دادم و بدین گونه مصطفایی وارد این کیس شد.

مصطفایی البته در این مورد با واضح حرف نمیزند و یا موضوع را نوع دیگری مطرح میکند... وقتی جمهوری اسلامی ایران به سکینه و فرزندانش اعلام کرد که دیگر راهی باقی نمانده و احتمال اجرای حکم سنگسار سکینه قوی است، خبر را سجاد به مینا احدی و مصطفایی داد و همین خبر را یعنی

خبر احتمال اجرای حکم سنگسار سکینه را مصطفایی در سایت خودش اعلام کرد و همانند دهها مورد دیگر که در سایت خودش اخبار احتمال اجرای حکم اعدام و یا سنگسارها را اعلام میکرد، این بار هم این کار را کرد.

همان روز کمیته بین المللی علیه سنگسار و مینا احدی با فرزندان سکینه تماس گرفتند. و با انتشار نامه فرزندان آشتیانی خطاب به مردم دنیا سوت یک کمپین بین المللی زده شد. این آخرین راه نجات سکینه آشتیانی بود.

در عرض ۴۸ ساعت این نامه به ۱۶ زبان بین المللی در فیس بوک و سایتهای اینترنتی منتشر شد و هزاران و میلیونها نفر در جریان این واقعه قرار گرفتند. به تدریج رسانه های بین المللی توجه اشان به این نامه جلب شد و رسانه ها وارد این حرکت شدند. در چندین مورد رسانه های بین المللی خواهان مصاحبه با وکیل سکینه شدند که تلفن مصطفایی را مینا احدی در اختیار آنها قرار داد.

مصطفایی در تهران بعد از مدتی به زندان اوین فراخوانده شد و یک روز قبل از رفتن به این محل، مینا احدی با او حرف زد و پرسید آیا خود را به آنجا معرفی میکند و پاسخ مصطفایی این بود: من ترسی ندارم حتماً آنجا خواهم رفت. سپس موضوع دستگیری همسر مصطفایی مطرح شد و فرار او به

شطرنج در مقابل هر حمله رژیم و مدافعان مستقیم و غیر مستقیمش ما باید پاتک به جا و درستی میزدیم که راه پیشروی این کمپین را باز کنیم. مرتب ایده های مختلف طرح و بررسی شده و یک تیم مجرب مشغول سازمان دادن این کمپین هستند. در کنار و هماهنگ با این تیم دهها و صدها شخصیت و فعال و جمع خود را شریک این حرکت دانسته و با جان و دل برای آن کار میکنند. خبرنگاران زیادی با دقت و روزمره این کمپین را از آن خود کرده اند و برای آن فعالیت میکنند. چنانچه اکنون ابعاد کمپین حتی برای ما که روزمره آنرا سازمان داده و هدایت کرده ایم قابل تصور نیست. امری اجتماعی شده است که از رهبران و سازمان دهندگان و فعالین شناخته شده آن بسیار فراتر رفته است. اما با این حال اگر پیروزی این کمپین از آن همه انسانهای درگیر در آن و بشریت متمدن است ولی شکست آن مستقیماً و فقط به پای ما نوشته میشود.

این البته مکانیسم حرکت اجتماعی است کسی نمیتواند تصمیم بگیرد آنرا عوض کند. همه حرکتهای اجتماعی این چنین خصلتی دارند. بنابر این رهبران و سخنگویان این کمپین با علم به این فاکتور خود را رهبر و سازمانده اصلی و راس این کمپین میدانند و یا عملاً در این موقعیت تثبیت شده اند. هر چند ما میدانیم که چند ماه اول بر سر رهبری و سخنگویی این کمپین هنوز جدال وجود داشت و هر کسی از جهتی میکشید اما واقعیت آنطور پیش رفت که حقیقی بود. در این مسیر ما با موانع و نقطه عطفهای زیادی مواجه شده ایم، در بین مشکلات پدیده محمد مصطفایی کمی متفاوت از بقیه این موانع و مشکلات بوده و هست.

## محمد مصطفایی از کجای تصویر وارد شده و تا کجا آمد؟

مینا احدی در مصاحبه با صدای آمریکا و رسانه های مختلف میگوید: که سجاد با من تماس گرفت و بعد از مدتی من به او پیشنهاد کردم که با محمد مصطفایی حرف بزنیم برای وکالت

## زیر حجاب اختناق

از صفحه ۱

مردم ایران يك قرن است آرزو و استحقاقش را دارند. ایران از قرار در این مسیر افتاده است. اما در پس این معرکه، تاریخ واقعی در جهت دیگری سیر میکند. باید فراتر را نگاه کرد. گوش را باید به زمین چسباند و لرزش بنیادهای این نظم ارتجاعی را حس کرد. جدال جاری در جامعه ایران مقابله اسلام قساوت و اسلام تساهل نیست، جدال ولایت فقیه و قانون نیست، بلکه جدال آزادیخواهی با استبداد و ارتجاع و اسلام در همه اشکال آن است. در سیر تحولی که در پیش است شخصیت‌های جلوی صحنه امروز به سرعت بی ربط و محو خواهند شد. در مقابل ارتجاع اسلامی نه خرده اصلاح طلبان امروز، بلکه صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیگیر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن را خواهیم یافت. اینها تمایلات واقعی اکثریت عظیم مردم ایران است که امروز زیر حجاب اختناق پنهان است و می‌رود که آینده سیاسی ایران را بسازد.

منصور حکمت

نشریه ایسکرا شماره ۳

۱۴ فروردین ۱۳۷۷ ۴ آوریل

۱۹۹۸

منبع خبر می‌بود. اما اگر خبر نادرست است و اشتباهی در کار است سایت بسیار "باشرف" جرس سکوت میکند و مصطفایی هم که قبلا در مورد گزارش جرس به نفعش بود، سکوت کرده بود اکنون با حمله به منبع خبر یعنی کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام می‌خواهد در اینطرف بازی هم سری تو سرها داشته باشد. وقتی که سایت جرس و رسانه های "راستگویی" اصلاح طلبان حکومتی او را قهرمان و راس کمپین نجات سکینه و منبع خبر آزادی آنها معرفی کرده بودند

صفحه ۵

سیاسی نیست، ظاهرا سرنوشت آینده ایران را لبخند خاتمی و مزاج خامنه ای قرار است رقم بزند، ظاهرا مباحثات آینده ساز در ایران همان نشخوار چند باره مقولات انقلاب مشروطیت و روایات آخوندیزه شده از خواست "عدالتخانه" است که زیر تیتر "جامعه مدنی" صفحات نشریات ظاهرا "دینفود" محافل ظاهرا "دگراندیش" پیرامون خود رژیم را انباشته است. خبرنگاران و خبرترشان، شرق شناسان، متخصصین دول غربی، احزاب ملی و میهنی، گروهها و دستجات جهان سومی و شرفزده ای که برای دوره ای بدلاتی خارج از اراده خویش دچار عارضه خود کمونیست پنداری شده بودند، همه با اشتیاقی به این صحنه آشفته و این تصویر معوج خیره شده اند و باور و نظر و الهامشان را از آن میگیرند. اگر اینها را باور کنیم، ایران در آستانه يك رستگاری اسلامی دیگر است. آخوندهای اهلی، با اسلامی معطر به گلاب مدرنیته، با دگراندیشانی به اندازه کافی مسلمان و مسلمانانی به اندازه کافی دگر اندیش، با قانونی ملهم از فقه و فقیه‌ی تابع قانون، قرار بدور از آشوب و انقلاب وارد جمهوری اسلامی دوم کنند. و این آن "جامعه مدنی" است که به زعم حجره دار نمازخوان بازار و پسران خارج درس خوانده اش،

است، این بار اعلام میکند که ایشان هم خبردار شده اند سکینه آزاد شده و تایید میفرمایند. بعد از تکذیب خبر از جانب کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام، ایشان هم مثل يك مسلمان واقعی که دروغ گفتن برایشان مثل آب خوردن است، میگوید من اصلا این خبر را نگفتم کمیته علیه اعدام و سنگسار خبر اشتباه را فرستاده بودند.

او یقه سایت جرس را نمیگیرد که به اسم مینا احدی آژری دارد و از مینا احدی نمیگوید و خبر را از قول مصطفایی اعلام کرده بود. زیرا اگر قرار بود جایزه بدهند مصطفایی باید

توانسته همین جهت را تقویت کرده است.

او که می بیند و اکنون دیگر پذیرفته است کمپین نجات سکینه را مینا احدی رهبری میکند و رسانه های جهانی نیز اینرا دیده و پذیرفته اند، هر جا که توانسته به مینا احدی حمله کرده است. و درست در جهتی که حکومت اسلامی حرف میزند، او نیز غروندهایی میکند. "احدی کمونیست است، سو استفاده سیاسی میکند راست نمیگوید، خبر غیر واقعی پخش میکنند" و ...

وقتی ما گفتیم سکینه را می‌خواهند اعدام کنند و دنیا بلند شد، حتی از دفتر سارکوزی رییس جمهور فرانسه با ایران تماس گرفته شد و این خبر از سوی يك دولت مورد بازبینی و تایید قرار گرفت و سپس سارکوزی اعتراض کرد باز هم مرغ آقای مصطفایی يك پاك داشت. دلیلی که ارائه میدهد گفته های مقامات جمهوری اسلامی و دوستان او در قوه قضاییه است. طبعاً کسی به این حرف او توجهی نمیکند و سپس دوستانش می نویسند معلوم شد خبر کمیته علیه سنگسار درست نبود. چرا دلیل چیست میگویند: چون سکینه اعدام نشد و چون حکومت اسلامی خبر را تایید نکرد. پس خبر دروغ بوده است! این همسویی و اعتماد به حکومت اسلامی مشکوک بودن این اقدامات را بیشتر میکند.

آخرین شاهکار مصطفایی در مورد پخش خبر آزادی سکینه است. پرس تی وی عکسهایی را بدون شرح پخش میکنند و ریتر و بسیاری رسانه ها اعلام میکنند که سکینه آزاد شده است و ما که از تبریز يك روز قبل خبر داشتیم به اینها قول آزادی داده بودند، (که البته بعدا معلوم شد این قول برای گرفتن اعترافات تازه از آنها بوده است.) ما این خبر نادقیق را با کمی تعجیل پخش کردیم و بعد از کمتر از ۳ ساعت خبر را تصحیح کردیم. مصطفایی که همه اخبار قبلی ما را در ۱۱۱ اطلاعیه کمیته دیده بود و نتوانسته بود آب را گل آلود کند و هر بار دیده بود همه اخبار درست

لندن فرستاد و گفت این عکس را سجاد برای او فرستاده و عکس سکینه محمدی آشتیانی است. تایمز اعتماد کرد و عکس را علنی کرد... مینا احدی بلافاصله با نویسندگان تایمز در مورد کمپین سکینه که بارها با آنها حرف زده بود تماس گرفت و گفت این عکس سکینه نیست. آنها هم روز بعد این اشتباه را اصلاح کردند اما مصطفایی با پروری تمام حاضر به قبول مسئولیت این عمل شنیع خود نشد. در تبریز از سجاد و هوتن خبر رسید که سکینه را ۹۹ ضربه شلاق زده اند به دلیل علنی شدن عکس بی حجایی که به عنوان عکس او در تایمز منتشر شده است. مصطفایی نه فقط به این عمل بسیار عجیب و مشکوک خود پاسخی نداد بلکه شروع به حمله و شانتاژ کرد و گفت کمیته علیه سنگسار دروغ میگوید و حرفهای سجاد و هوتن هم دروغ است و این عکس متعلق به سکینه است و سجاد برای او ارسال کرده است!؟ و...

مصطفایی علیه مینا احدی نوشت و با ادبیات سخیفی به احدی حمله کرد، در يك کنفرانس مطبوعاتی در برلین به سازمان دهندگان گفت اگر احدی آنجا باشد نیاید و سپس در پاریس در کنار احدی نشست و حرف زد.

مصطفایی بارها در نشست ها و جلسات متعدد به عنوان وکیل سکینه و یا دست اندرکار این کمپین جهانی سخنرانی میکند و در سایتهای فارسی زبان مینویسد. اما در همه این موارد سعی میکند نقشی را بازی کند که هم به نعل بزند و هم به میخ. تلاش میکند به نوعی تمرکز مخاطبین خود را از کمپین منحرف کند که به جاهای دیگر توجه کنند. اقدامات عجیب و غیر قابل باور مصطفایی این ظن اولیه را مرتب و بیش از پیش تقویت میکند که او آگاهانه یا نا آگاهانه میخواهد سیاست جناحی از رژیم را در این کمپین پیش میبرد. او در مقابل حرفهای شیرین عبادی که واضحتتر کمپین سکینه را کار وزارت اطلاعات حکومت اسلامی میدانند، حرفی نزد و خودش هر جا که

مصطفایی در مقابل این اعتراض سجاد گفت: "این پسر شهرستانی که نمیداند اینترنت چیست از کجا فهمیده من با اشپگل حرف زده ام آنها را مینا احدی تحریک میکند... آدم حساب نکردن مردم عادی و ادبیات تحقیر کننده و همه چیز را توطئه دیدن که مخصوص اسلامیهها است در اینجا به وضوح دیده میشود.

سجاد و سعیده نامه ای به خط خودشان نوشتند و امضا و منتشر کردند در آن نامه اعلام کرده بودند آقای مصطفایی دیگر وکیل مادر ما نیست، هم بدلیل اینکه مجبور به خروج از ایران شده و هم به دلیل اینکه از مادر ما دفاع نمیکنند. او حرفهایی زده که به ضرر مادر ما است. سپس خانم آشتیانی در زندان نامه ای را امضا کرد و گفت دیگر مصطفایی وکیل من نیست. اما مصطفایی و خیل ملی اسلامی طرفدارش که هر جا که به نفعشان است سوار کمپین سکینه میشوند و هر جا که باز به نفعشان هست علیه این کمپین حرف میزنند، کماکان هر جا حرف میزنند مصطفایی را وکیل سکینه معرفی میکنند. به حرف فرزندان و خود سکینه واقعی نمی نهند اینهم يك نمونه دیگر از رفتار جنبش ملی اسلامی است با حقوق اولیه مردم است که مصطفایی در آن صف است.

واقعیت این است پر رویی، بی پرنسیپی، و وقاحت بخش اینتگره این جنبش است. از خینی تا احمدی نژاد، از خامنه ای تا رفسنجانی، از خاتمی تا موسوی و از نهضت آزادی تا اکثریتی و توده ای همگی در پله ها و مراحل مختلف این فرهنگ را نمایندگی کرده اند. دروغ گفتن، دورویی کردن و چند چهره بودن عدم صداقت، و عدم شجاعت بخش مهمی از فرهنگ این جریان است. به همین دلیل در هیچ عرصه و هیچ مقطعی این طیف ملی اسلامی قابل اعتماد نیستند.

مصطفایی دریک اقدام عجیب عکس سوسن هجرت را برای تایمز

## کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی...

از صفحه ۴

وزارت خارجه رژیم اسلامی مشغول خدمت به رژیم بود هنگامیکه مورد غضب یاران خود قرار گرفت دفاع کردیم.

جهانی شدن کمپین نجات سکینه به نفع همه کسانی است که مخالف این رژیم هستند. این يك چالش بین المللی بزرگ برای حکومت اسلامی ایران است. این جنگی وسیع علیه قوانین شریعه و مجازات اعدام و سنگسار و علیه سیستم قضایی قرون وسطایی اسلامی است. هر کس اهمیت این کمپین را نمی فهمد بهتر است برود مشغول کارهایی شود که برایش مهمتر است. کسی جای کسی را تنگ نکرده است. اما يك چیز هم قابل درک است مدافعین حفظ نظام اسلامی که برای اصلاح آن تلاش میکنند و ما برای سرنگون کردن آن، در جریان این کمپین هم اهداف متفاوتی را دنبال میکنیم.

مشکل دوم خردادها و اصلاح طلبان و فعالین جنبش ملی اسلامی چیز دیگری است. اولاً از نظر آنها دوستان خودشان که قبلاً پاره تن حکومت بوده و یا خودشان در حکومت بوده اند، امروز زندانی هستند و چون اینها برایشان خیلی مهم هستند و برتر از بقیه زندانیان سیاسی میباشند، پس همه توجه ها باید معطوف به این زندانیان خودی جمهوری اسلامی باشد که بسیار مهمتر از سکینه و شهلا و کبرا هستند و... کارگران زندانی مثل رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده و اسانلو و غیره برای این مدافعین "حقوق بشر" ملی اسلامی چندان مهم نیستند. کارگران همیشه قربانی رژیم بوده اند وضع آنها در دوره موسوی، رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد تفاوت چشمگیر نکرده است.

وضع دانشجویان زندانی هم معلوم است اگر از طیف اصلاح طلبان حکومتی و تحکیم وحدتی نباشند اسم بردن از آنها گناه کبیره محسوب میشود. در رسانه های این طیف حرفی از اینها نیست. حرف کسانی است که مدافع اصلاح رژیم

سکوت کرد. اما هنگامیکه ما خبر را اصلاح کردیم، همین "منبع خبر اولیه" طلبکار از آب درآمد و همصدا با رسانه های رژیم اسلامی حمله به ما را آغاز کرد.

همینجا لازم است کمی بیشتر به رسانه های "باشرف" فارسی زبان ایرانی بپردازم. دوویچه وله که بجز يك باراسمی از مینا احدی در طول هفت ماه کمپین نیآورده است، این بار برای حمله به مینا احدی اسمش را میبرد و بی بی سی فارسی هم که زیر فشار بی بی سی انگلیسی و عربی و برزیلی مجبور شد چند ثانیه از مینا احدی حرف بزند و سایتیهای که مصطفایی را قهرمان داستان معرفی میکنند، این بار فرصتی بدست آوردند حمله کنند. میگویند بی دقتی دربخش اخبارشده و یا کارهای "جنجالی" انجام میگیرد که علیه قربانیان تمام میشود! این مدافعین دروغین قربانیان معلوم نیست از ۲۲ سال قبل تا کنون در کجا قایم شده بودند. که اکنون حق به جانب خود را معرفی میکنند؟ همه آنها با اقتباس از چهره مونث اسلامی خود یعنی خانم شیرین عبادی چون نتوانستند کمپین نجات سکینه را از ریل چپ منحرف کنند به شانتاژ و اتهام زنی به سبک وزارت اطلاعات روی آوردند. میگویند چرا از کسی مثل سکینه و شهلا دفاع میکنید که متهم به قتل هستند، باید از کسانی دفاع کنید که سیاسی هستند و...

### اصلاح طلبان حکومتی و کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی

بر خلاف این خیل رانده شده از حکومت اسلامی که برای شریک شدن در قدرت و همزرم شدن با خامنه ای میجنگند، و امروز به یاد حقوق بشر افتاده اند، ما از ابتدای سرکار آمدن رژیم از همه قربانیان دفاع کرده ایم و دفاع میکنیم. از هر زندانی سیاسی با هر عقیده ای و از همه محکومین به اعدام و سنگسار و این کار را سالها است که میکنیم. حتی از پاسداران اخراجی و پاسدارانی مثل گنجی که در رقابت با سپاهیان همقطار خود از سپاه بیرون آمد و در وزارت کشور و

## رضا شهابی به بیمارستان منتقل شد، رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود



رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد بدنبال يك هفته اعتصاب غذا در اعتراض به ادامه بازداشتش در زندان، امروز شبه ۲۰ آذر ماه به دلیل وخامت وضعیت جسمی اش به بیمارستان منتقل شد. این خبر را حسن شهابی برادر رضا در گفتگو با رادیو فردا اعلام داشته و میگوید که در ملاقاتی که روز پنجشنبه ۱۸ آذر با او داشته اند، گفته است که تا روشن شدن وضعیتش به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد. وضع جسمی رضا شهابی وخیم است و نیاز به اقدامی اضطراری است.

با اعتراضات گسترده خود و با وسیعترین حمایت و پشتیبانی فشار بیاریم تا هر چه زودتر از زندان آزاد شود و فوراً تحت معالجه و درمان قرار گیرد. رضا شهابی در ۲۲ خرداد دستگیر و در آبان ماه برای او وثیقه ۶۰ میلیون تعیین کردند و

کارگران زندانی و متوقف شدن فشار بر روی فعالین کارگری شده اند.

به غیر از رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، مرتضی کمساری، علی اکبر نظری، غلامرضا غلامحسینی از کارگران سندیکای واحد و بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در زنداناند. تمام کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

ما تلاش میکنیم که صدای اعتراض این کارگران در سطح جهانی باشیم. خود را فعال کمپین برای آزادی کارگران زندانی بدانید و به این کارزار بپیوندید.

۲۰ آذر ۱۳۸۹

۱۱ دسامبر ۲۰۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر  
0044-77798  
98968

Shahla\_Daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش  
0044-7852  
338334

Bahram.Soroush@gmail.com

<http://free-them-now.blogspot.com>



Ebrahim Alizadeh



Ghobadavot  
(Ghobadavoti)



Mansour Dezhman



Roya Shababi



Bahram Ebrahim-zadeh

## Free jailed workers in Iran

### دو کارگر مرزی بر اثر تیراندازی مزدوران رژیم کشته شدند

کارگر مرزی پس از يك روز در شهر مهاباد به خاک سپرده شد. تنها طی دو ماه اخیر بیش از بیست نفر و در یکسال گذشته بیش از ۹۰ نفر از کارگران مرزی توسط نیروهای سروکریگر رژیم اسلامی کشته شده اند.

طی روزهای گذشته برادر تیراندازی مستقیم نیروهای امنیتی و انتظامی دو کارگر مرزی به نامهای عثمان محمدی و محمود مینه زاده در منطقه مرزی شینکی از توابع پیرانشهر جان خود را از دست دادند. جسد این دو



## کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی...

از صفحه 5

هستند نه انقلاب علیه رژیم. ناگفته نماند اصلاح طلبان زندانی در زندان هم جایگاه ویژه دارند. آنها در همان محدوده زندان هم از مکانات محدودی که وجود دارد وضعیتشان بهتر از بقیه زندانیان است. آنها میتوانند به مرخصی بیایند. اما خارج از آن طیف مرخصی کاری ضد امنیتی محسوب میشود. در خارج کشور نیز آنها جایگاه ویژه دارند، جایزه میگیرند، جایزه هایشان رابه هم تقدیم میکنند...

چون خودشان بیست سال با حکومت همراهی کرده و یا با آن لاس زده و اصلاحات کذابی موسوی- خاتمی را بهتر از انقلاب میدانند و راه نجات اسلام و جمهوری اسلامی را فکر میکنند بهتر از خامنه ای و احمدی نژاد تئوریزه کرده اند. آنها به دلیل اختلاف بر سر کسب کرسی بیشتر در همین نظام مورد غضب جناح مقابل قرار گرفته اند. به همین دلیل این چند سال آخر قربانی شده اند. و جالب اینست درست بهمین دلیل امتیاز میخواهند...

دفاع از سکینه و مقابله با سنگسار سیاسی ترین امر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

و البته تاریخ مبارزه با سنگسار با تاریخ غروندهای این طیف گره میخورد و ظاهراً آنها رهبران جنبش آزادی زن و مبارزه با سنگسار هم هستند!

سنگسار کردن زنان وسیله مهم ترساندن مردم و زنان بوده و "جرمی" که در این "مجازات" به آن استناد میکنند، رابطه جنسی خارج از ازدواج است. امری کاملاً خصوصی که توسط حکومت اسلامی با وحشیانه ترین شیوه پاسخ میگیرد. از نظر این طیف هم این جرم است و باید مجازات برایش در نظر گرفت. اما مجازات سنگسار را زیاد میدانند! اعتراضشان به سنگسار در همین محدوده است نه بیشتر. با

با مسئولین وزارت اطلاعات از این دروازه وارد شده و خواهان "مجازات" او میشوند! اما همه مردم آزادیخواه میدانند این در عین حال یک حمله به تاریخ مبارزات حق طلبانه مردم کردستان است.

هنگامیکه یک سازمان چپ در کردستان به اسم کومله به جرم مبارزه مسلحانه و دفاع از آزادی در مقابل توحش و کشتار جمهوری اسلامی به تروریست بودن متهم میشود. هنگامیکه از این راه میخواستند رفیق جانباخته اسماعیل یگانه دوست همراه چند نفر دیگر از کمونیستهای خوشنام که به جرم همکاری با این سازمان در تبریز دستگیر و بعد از چند روز اعدام شدند را تروریست معرفی کنند. و بلاخره مینا احدی به عنوان همسر او که امروز یک چهر شناخته شده جهانی علیه حکومت اسلامی است را تروریست معرفی کنند، طیف ملی اسلامی از خوشحالی در پوست خود نمیگنجند.

لطمات جنبش ملی اسلامی به مردم ایران، به حقوق و حرمت زنان و در به شکست کشاندن انقلابات پی در پی در ایران برای آزادی و زندگی انسانی بسیار بیشتر از اینها است... اما عمر مفید این جریان ملی اسلامی به اندازه عمر جمهوری اسلامی است. این رژیم را باید از سر راه ترقی و سعادت و پیشرفت جامعه ایران و برای رسیدن به یک زندگی آزاد و مرفه برداشت. ما اینرا وظیفه خود و همه جریانات چپ و آزادیخواه میدانیم. همینجا از همه آزادیخواهان و چپ مسئول در مقابل جنبش حق طلبانه مردم کردستان میخواهیم با حمایت از این تاریخ مبارزات پر افتخار اجازه ندهند جمهوری اسلامی و سکوت جریانات ملی اسلامی سایه بر این تاریخ بیفکند.

۱۴ دسامبر ۲۰۱۰  
[asangaran@aol.com](mailto:asangaran@aol.com)  
 00491635112025

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
 زنده باد سوسیالیسم!  
 زنده باد حزب کمونیست کارگری!

رفاه و خوشبختی  
همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
 برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
 به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!